

An Analysis of the Practical Applications of Allama Majlisi's Ethical Theory

Hamzeh Ali Bahrami / Associate Professor, Department of Islamic Studies, Ahlul Bayt University of Isfahan
bahrami1918@yahoo.com

Jafar Shanzari / Associate Professor, Department of Philosophy and Islamic Speculative Theology,
University of Isfahan j.shanzari@ltr.ui.ac.ir

 **Maryam al-Sadat Hashemi** / PhD Graduate in Islamic Speculative Theology, Banu Mojtahedeh Amin
Institute of Higher Education, Isfahan hashmaysadat@gmail.com

Received: 2024/01/26 - **Accepted:** 2024/06/02

Abstract

As a vital necessity for all societies, Ethics has seen diverse theoretical and practical approaches by Eastern and Western thinkers and ethicists. Islamic scholars also have paid special attention to this issue and considered the main mission of religion to be the ethical education of man. Having paid great attention to ethics in his books and writings, Allama Majlisi advocates a "narrative-based ethical framework" rooted in revelation. Reviewing his books, this analytical study examines his ethical theory and its impact on applied ethics. Findings reveal that Majlisi's theory integrates the three major normative ethical theories, forming a "macro-theory." This innovative approach comprehensively addresses human ethical relations across individual, social, environmental, and divine ethics. Unlike secular Western theories, Majlisi's framework emphasizes theocentric ethics and includes all human moral relations (with oneself, with others, and most importantly with God).

Keywords: Ethics, ethical theory, applied ethics, practical applications, Allama Majlisi.

تحلیلی بر کاربردهای عملی نظریه اخلاقی علامه مجلسی

bahrani1918@yahoo.com

j.shanazari@ltr.ui.ac.ir

hashmaysadat@gmail.com

حمزه علی بهرامی / دانشیار گروه معارف دانشکده اهل بیت دانشگاه اصفهان

جعفر شانظری / دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان

مریم السادات هاشمی  / دکتری کلام اسلامی مؤسسه آموزش عالی بانو مجتهده امین اصفهان

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

چکیده

اخلاق یک امر مهم و نیاز ضروری برای همه جوامع بشری بوده و تا کنون در حوزه اخلاق نظری و عملی دیدگاه‌های مختلفی از سوی هریک از اندیشمندان و اخلاق‌پژوهان شرقی و غربی ارائه شده است. اندیشمندان اسلامی نیز به این امر اهتمام ویژه داشته و رسالت اصلی دین را پرورش انسان‌ها در حوزه اخلاق می‌دانند. از جمله این اندیشمندان علامه محمدباقر مجلسی است. ایشان داعیه‌دار «طرح اخلاقی نقلی» با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی است و در کتاب‌ها و نگاشته‌های خویش به اخلاق عنایت بسیار داشته است. از این‌رو در جهت دستیابی به دیدگاه‌های اخلاقی ایشان، این پژوهش با رویکرد تحقیقی - تحلیلی و با مطالعه آثار وی در پی پاسخ به این سؤال است که نظریه اخلاقی علامه مجلسی چیست؟ و چه تأثیری در حوزه اخلاق کاربردی و عملی دارد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نظریه اخلاقی ایشان نظریه‌ای تلفیقی است که شامل هر سه نظریه اصلی مطرح در اخلاق هنجاری می‌شود و می‌توان آن را یک «کلان نظریه» دانست. این مطلب مهم‌ترین جنبه ابداعی و نوآورانه در نظریه ایشان است. اما مهم‌تر آنکه نظریه علامه مجلسی در تمام حوزه‌های اخلاق کاربردی و عملی، از جمله اخلاق فردی، اجتماعی، محیط زیست و اخلاق خدایی اثرگذار است. در واقع نظریه ایشان برخلاف دیگر نظریات مطرح، به‌ویژه نظریات مطرح در جهان غرب که خالی از هر نوع اخلاق خداپاور هستند، تمام ارتباطات اخلاقی انسانی (ارتباط با خود و با دیگری و مهم‌تر از همه با خدا) را پوشش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، نظریه اخلاقی، اخلاق کاربردی، کاربردهای عملی، علامه مجلسی.

رویکردهای گوناگون اخلاق اسلامی غالباً در سه رویکرد اخلاق «فلسفی»، «عرفانی» و «نقلی» مطرح شده است. از میان این سه رویکرد تنها اخلاق نقلی است که تا کنون سبک و سیاق علمی نیافته و به شکل یک نظام اخلاقی خاص و ویژه مطرح نشده است. در این رویکرد اخلاق تنها با دسته‌بندی مجموعه آیات و روایات و توضیح و تفسیر آنها نگارش یافته است. از این رو بر پژوهشگران حوزه دین و اخلاق لازم است به استنباط نظام اخلاق نقلی در حوزه اخلاق نظری و کاربردی مبتنی بر متون آیات و روایات بپردازند و ارتباط اخلاق نظری و تأثیر آن در حوزه‌های گوناگون اخلاق کاربردی و عملی را با رویکرد نقلی بیان کنند؛ زیرا هدف از ارائه نظریه اخلاقی در بُعد نظری ارائه نقشه راه کاربردی و عملی است تا در اختیار همه انسان‌ها قرار گیرد که در مقام عمل سرگردان نباشند و به سهولت بتوانند ارزش‌های مثبت و منفی اخلاقی و به عبارت دیگر، فضایل و رذایل را تشخیص دهند، و چه نیکو نظریه‌ای است که برگرفته از آیات و روایات باشد!

از میان اندیشمندانی که می‌توان با مراجعه به آثار ایشان و تحلیل بیانات آنان در مباحث اخلاقی با نوآوری و ابتکار به ارائه یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق نقلی پرداخت، علامه مجلسی است که متأسفانه از سوی اخلاق‌پژوهان دین‌مدار چندان بدان توجه نشده است.

این مقاله در صدد است به اجمال، ولی جامع و منسجم نظریه اخلاقی علامه مجلسی را در حد گنجایش این مقاله شرح دهد و بعد از آن به تحلیل کاربردهای عملی نظریه اخلاقی علامه مجلسی بپردازد. بدین‌روی سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نظریه اخلاقی علامه مجلسی چیست؟ و چه تأثیری در حوزه اخلاق کاربردی و عملی دارد؟ بر اساس محوریت سه نظریه اخلاقی «وظیفه‌گرایی»، «فضیلت‌محوری» و «نتیجه‌گرایی» می‌توان گفت: در سخنان علامه مجلسی، رگه‌هایی از هر سه نظریه اخلاقی در اندیشه‌های ایشان به چشم می‌خورد. از این رو با تفحص در آثار علامه مجلسی به نظریه اخلاقی دست می‌یابیم که «وظیفه‌گرا»، «فضیلت‌محور» و «غایت‌طلب» است و در آن فضایل اخلاقی علاوه بر ارزش ذاتی، ابزاری برای نیل به سعادت حقیقی محسوب می‌شوند که همان قرب به خداوند متعال است.

جنبه ابدایی و نوآورانه در دیدگاه ایشان آن است که نظریه ایشان «کلان‌نظریه‌ای» است که از سه سطح به نحو تشکیکی تشکیل شده است: در مرتبه اول به حکم فطرت پاک انسانی و برخی فضایل اخلاقی ذاتی، انسان در عمل به اخلاقیات، به وظیفه‌گرایی میل پیدا می‌کند. وقتی انسان این مرحله را با تکرار و تمرین و کسب فضایل اکتسابی به‌طور کمال انجام داد، در مرتبه دوم منش و شاکله‌ای فضیلت‌مند پیدا می‌کند و بعد از آن کسب فضایل نه از باب وظیفه، که از ذات او برمی‌خیزد. در مرتبه سوم انسان فضیلت‌مند به دنبال رسیدن به بالاترین مرتبه سعادت است که در رسیدن به وجود بی‌نهایت و قرب به او امکان تحقق دارد و از این رو در این مرتبه افعال او فقط به جهت رسیدن به این غایت، ملاک ارزشمندی دارد. لازم به ذکر است که از دیدگاه نگارنده اعمال در تمام این مراحل دارای ارزش است و ارزشمندی اعمال فرد در دو مرحله گذشته، منافاتی با ارزشمندی اعمال در مرحله اخیر ندارد؛ زیرا مراد از «ارزشمندی» در مرحله اخیر ارزش به نحو اتم و اکمل است. اما درخصوص قسمت دوم سؤال که تأثیر نظریه اخلاقی علامه مجلسی بر اخلاق کاربردی و عملی است، می‌توان گفت: یافته‌های نگارنده حاکی از آن است که نظریه اخلاقی ایشان اساس دیدگاه‌های وی در حوزه اخلاق

کاربردی و عملی است. در حقیقت انسان، چه در بُعد مادی یا روحانی، یا در ارتباط اخلاقی با خویش قرار گیرد یا در ارتباط با غیر خویش - حال این غیر می‌تواند انسان دیگر باشد یا محیط زیست و جانوران یا از همه مهم‌تر خداوند متعال و انجام وظایف اخلاقی خویش در قبال او باشد - بر این اساس، اخلاق نظری علامه مجلسی تمام ابعاد و حوزه‌های اخلاق کاربردی و عملی ایشان را تحت پوشش قرار می‌دهد.

پیشینه

در بحث پیشینه‌شناسی تا کنون هیچ اثری با عنوان «نظریه اخلاقی علامه مجلسی و کاربردهای عملی نظریه ایشان» به رشته تحریر درنیامده است.

بر این اساس، در پاسخ به سؤال پژوهش، این مقاله در ساختار ذیل به رشته تحریر درآمده است؛ بدین شکل که ابتدا مفاهیم بحث بررسی می‌شود، سپس به اجمال نظریه اخلاقی ایشان تحلیل می‌گردد و در پایان، کاربردهای عملی نظریه ایشان به بحث گذاشته می‌شود.

۱. بررسی مفاهیم

۱-۱. اخلاق

«اخلاق» صفت یا صفاتی راسخ و پایدار در نفس انسان است که به موجب ملکه نفسانی از او صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی وجود انسان هستند و برخی از آنها نیز با تفکر، تلاش، تمرین، ممارست و عادت کردن نفس به آنها به‌دست می‌آید؛ چنان‌که شخص بخیل ابتدا با سختی چیزی را به کسی می‌بخشد، ولی بعد بر اثر تکرار، سخاوت ملکه جان او می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۷۲). بر اساس این تعریف، از نظر علامه، «خلق» ملکه نفس انسان است و تا زمانی که صفتی در نفس بر اثر تکرار و تمرین راسخ نشده و به حد ملکه نرسیده باشد، به آن «خلق» گفته نمی‌شود.

۱-۲. نظریه اخلاقی

نظریه اخلاقی پاسخی است به پرسش از معیار ارزش اخلاقی و از همین رو یکی از اساسی‌ترین بخش‌های اخلاق هنجاری طرح و ارزیابی نظریه‌های اخلاقی است که هدف از ارائه آن قرار دادن راهنمای عملی و کاربردی در اختیار انسان است تا در مقام عمل سرگردان نباشد و به راحتی بتواند ارزش‌های مثبت و منفی اخلاقی و به عبارت دیگر، فضایل و رذایل را تشخیص دهد و همچنین بتواند در موقعیت‌های گوناگون تصمیم اخلاقی درست بگیرد. بر این اساس تا کسی از حیث نظری دارای نظریه و مبنای خاص، دقیق و مشخصی در اخلاق نباشد در ارائه اخلاق کاربردی و عملی چندان موفق نخواهد بود. به عبارت دیگر، اخلاق نظری اساس اخلاق کاربردی است.

۱-۳. اخلاق هنجاری

به مطالعات و بررسی‌های هنجاری درباره تعیین اصول، معیارها و روش‌هایی برای تبیین حسن و قبح، درست و نادرست، و باید و نباید «اخلاق هنجاری» گفته می‌شود. این بخش از پژوهش‌های اخلاقی که گاهی «دستوری» نیز

به آن گفته می‌شود، به بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی یا نبایستگی می‌پردازد. به عبارت دیگر موضوع بحث در این نوع مطالعات اخلاقی، دین یا قوم خاصی نیست، بلکه موضوع آن افعال اختیاری است. روش بحث در این نوع مطالعات اخلاقی، استدلالی و عقلی است (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۲۰). نظریات گوناگون در حوزه اخلاق هنجاری به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود که عبارت است از:

۱-۳-۱. وظیفه‌گرایی

«وظیفه‌شناسی» یا علم به وظایف اخلاقی، رویکردی در اخلاق است که بر درستی و نادرستی ذاتی اعمال به جای خوبی و بدی نتایج آنها توجه دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۲۶).

۱-۳-۲. فضیلت‌گرایی

در اخلاق فضیلت بیشتر به فاعل فعل و ویژگی‌های شخصیتی و منش‌ی او توجه می‌شود. اگر فاعل در انجام فعلش دارای انگیزه شایسته بوده و عملش صرفاً به خاطر ارزش و فضیلت بودن آن صورت گرفته باشد، آن عمل فضیلت‌مندانه و اخلاقی است، وگرنه غیراخلاقی و ناصواب به‌شمار می‌آید (حسینی، ۱۴۰۱، ص ۳۸).

۱-۳-۳. غایت‌گرایی

نظریه‌ای است که در آن کیفیت یا ارزش اخلاقی اعمال، اشخاص و منش‌ها، وابسته به ارزش غیر اخلاقی نسبی آن چیزی است که به وجود می‌آورند و یا به دنبال ایجاد آن هستند (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

۱-۴. اخلاق کاربردی

به کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و مطلوب‌های اخلاقی درباره رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی که به‌مثابه اخلاق کاربردی مطرح می‌شود، گفته می‌شود (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲۸). در این حیطه از اخلاق، فیلسوفان به جای مشخص کردن بایدها و نبایدهای اخلاقی یا خوب‌ها و بدهای اخلاقی به دنبال تشخیص رفتار و عملکردهای درست در موارد خاص هستند. همچنین آنان کارایی بیشتر اخلاق در موارد مشخص و جزئی را نیز مد نظر دارند (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۴۵).

۲. تحلیل نظریه اخلاقی علامه مجلسی

در پاسخ به قسمت اول سؤال این پژوهش، بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مطرح‌شده در لابه‌لای سطور و تألیفات علامه مجلسی می‌توان به این تحلیل دست یافت که نظریه اخلاقی ایشان در حقیقت یک «کلان نظریه» است که از سه مرتبه طولی و تشکیکی تشکیل شده است. به باور مرحوم علامه، طی هر مرتبه برای رسیدن به مرتبه بالاتر ضروری است. این مراتب سه‌گانه عبارت‌اند از:

۲-۱. وظیفه‌گرایی

با طرح بحث علامه درباره حسن و قبح ذاتی در باب برخی از افعال اختیاری انسان، می‌توان تمایل ایشان را به پذیرش نظریه «وظیفه‌گرایی» به اثبات رساند؛ زیرا با پذیرش حسن و قبح ذاتی افعال، می‌توان گفت: آنچه ملاک ارزش‌گذاری افعال است، جهت مستحسنی است که در ذات خود افعال وجود دارد، نه آنچه خارج از ذات است (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶).

در مرتبه وظیفه‌گرایی بر اساس تعریفی که علامه از «اخلاق» ارائه داده، فضایل اخلاقی به دو دسته فضایل «ذاتی» و «اکتسابی» تقسیم می‌شوند. فضایل ذاتی، خود - هرچند اندک و به نحوه بالقوه - زمینه‌ساز کسب فضایل اکتسابی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۷۲). از سوی دیگر، علامه برای انسان به حکم وجدان و فطرت پاک او، نوعی ایمان اجمالی و بالقوه - هرچند در پایین‌ترین مراتب آن - قائل است. خداجویی و خداشناسی فطری زمینه‌ساز ایجاد این ایمان اجمالی است. در حقیقت این ایمان قلبی است که در مراتب گوناگون، منشأ همه اعمال ظاهری و اوصاف و احوال باطنی انسان است؛ یعنی بنیادی‌ترین فضیلتی است که برای تحقق و آراستگی به فضایل دیگر ضروری است و فضایل دیگر از آثار و لوازم آن و وابسته به آن هستند، به گونه‌ای که اگر ایمان قلبی پدید نیاید نمی‌توان کسی را متصف به هیچ فضیلت دیگری دانست (مهدی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۳۱۵).

همان‌گونه که اشاره شد، علامه مجلسی معتقد است: برخی از افعال به صورت ذاتی دارای حسن و قبح هستند (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶) و عقل به این مطلب پی می‌برد و در جاهایی که حکم عقل راه به جایی نبرد نقل به‌عنوان مؤید و منصور عقل به شرح و تبیین خوبی و بدی افعال می‌پردازد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۰).

از این‌رو بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان پی برد که نفس انسان در پی این ایمان اجمالی و با هدایت عقل و شرع و در پی اختیار و اراده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۳۷-۱۳۹ و ج ۶۷ ص ۲۱۳) خود را موظف به انجام برخی از افعال اخلاقی می‌داند که از آن می‌توان به «وظیفه‌گرایی» تعبیر کرد. از این‌رو در این مرتبه، وظیفه جایگاه نخستین را نسبت به گونه‌های فضیلت و غایت در سلسله مراتب نظریات اخلاق هنجاری دارد؛ زیرا در این مرتبه آدمی خود را ملزم به انجام وظایفی می‌کند که عقل عملی بدان دستور می‌دهد؛ مانند نیکوکاری، راستگویی، احسان، خیرخواهی، حکمت، سخاوت، علم و شجاعت. بدین‌سان انسان سعادت‌مند، انسانی دارای فضایل اخلاقی است و هر که بخواهد به فضایل اخلاقی نایل شود و آنها را کسب کند، باید انجام این اعمال را وظیفه خویش بداند. به عبارت دقیق‌تر، در نظریه اخلاقی علامه مجلسی «وظیفه‌گرایی» زمینه‌ساز «فضیلت‌گرایی» است.

۲-۲. فضیلت‌گرایی

علامه مجلسی با اشاره به مهم‌ترین ملاک‌ها و شاخصه‌های وظیفه‌گرایی، مانند اکتسابی بودن اخلاق (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۷۲)، مباحث مرتبط با نیت و انگیزه فاعل در انجام فعل (همان، ص ۲۰۰-۲۱۰)، اختیارمندی فاعل فعل اخلاقی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۳۷-۱۳۹ و ج ۶۷ ص ۲۱۳)، عقل و فطرت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵ ص ۳۱۸ و ج ۳، ص ۲۷۶-۲۷۷) و مانند آن دیدگاه خود را درباره پذیرش فضیلت‌گرایی خاطر نشان می‌کند.

در تحلیل این مرتبه از نظریه اخلاقی علامه مجلسی می‌توان گفت: بر اساس نتایج حاصل از مرتبه اول، نوعی وظیفه‌گرایی برای انسان ثابت می‌شود که در پی آن انسان وظیفه‌گرا به مرور و بر اثر تمرین و تکرار، فضایل اکتسابی را ملکه وجودی نفس خویش می‌گرداند. از این‌رو در پی کسب فضایل از سوی انسان، ایمان اجمالی او به تدریج به ایمان تفصیلی تبدیل می‌شود و هرچه انسان در کسب فضایل اخلاقی و تبدیل آنها به ملکات بیشتر بکوشد، ایمان او افزون‌تر می‌گردد و

هرچه او مؤمن تر شود، در کسب فضایل اخلاقی بیشتر می کوشد؛ زیرا رابطه بین فضایل و ایمان رابطه ای دوسویه است. در این حالت انسان فضیلت مند می شود و معیار ارزش اخلاقی اعمال او در این مرتبه به خاطر فضیلت مندی است.

در این مرتبه هرچند علامه مجلسی برای فضیلت مندی و کسب منش اخلاقی ارزش ذاتی قائل است، اما ذاتی در نظر او در اخلاق فضیلت، به معنای لازمه ذات است؛ یعنی این عمل علت تامه خوب بودن را داراست؛ مانند عدالت، نه اینکه ذاتی به معنای اصلی باشد؛ زیرا «ذاتی» به معنای «اصلی» در اندیشه ایشان به گونه ای است که غایت نهایی تمام افعال اخلاقی قرار می گیرد؛ مانند قرب الهی، و همه افعال اخلاقی در جهت رسیدن به آن خواهند بود و از این رو ارزش همه افعال نسبت به آن فرع و وسیله است.

پس هیچ منافاتی ندارد که فضیلت دارای ارزش ذاتی باشد، ولی مقدمه رسیدن به یک هدف غایی قرار گیرد، و با این کار چیزی از ارزش و اهمیت فضیلت مندی کاسته نخواهد شد (بخشی، ۱۴۰۲، ص ۱۰۳-۱۰۴).

۲-۳. غایت گرایی

مهم ترین شاخصه هایی که علامه مجلسی در اینجا برای اثبات پذیرش غایت گرایی ذکر کرده بحث از میل انسان به سعادت ابدی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۹۷) و کمال ابدی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۳۱۷) است. در این مرتبه و در پی فضیلت مند شدن انسان و افزایش ایمان و ملکات نفسانی وی، انسان اختیاراً به دنبال کسب سعادت می رود. سعادت انسان در چیزی است که میل کمال جوی انسان را که میلی بی نهایت است، اکتان کند. تنها وجود بی نهایت وجود خداوند متعال است. از این رو انسان میل به سوی خداوند متعال دارد و کمال نهایی انسان در قرب به همین وجود بی نهایت است که هرکس به مقتضای برگزیدن جهان بینی الهی، به حسب آن درجه از کمال که از آن برخوردار است، به حدی از قرب الهی دست پیدا می کند.

از این رو بر اساس آنچه گذشت، می توان گفت: نظریه علامه مجلسی نظریه ای تلفیقی - طولی است که در آن به هر سه معیار «وظیفه گرایی»، «فضیلت گرایی» و «غایت گرایی» در تعیین وظیفه اخلاقی و عمل درست و معیار ارزش گذاری توجه شده است، البته در طول هم و در سلسله مراتب و نه به نحو عرضی که رهن این فکر باشد که جمع هر سه نظریه در یک نظریه غیر ممکن است؛ زیرا آنچه جمع هر نظریه را با هم غیر ممکن می سازد این است که ما نظریات گوناگون را قسیم یکدیگر لحاظ کنیم. ولی در اینجا این نظرات هر کدام در طول نظریه دیگر است. و از این رو علامه، هم بر اصل «وظیفه» و هم بر اصل «نتیجه» و هم خود فاعل فضیلت مند در درستی و نادرستی اعمال اخلاقی اهتمام ورزیده است.

از این رو می توان نظریه ایشان را «کلان نظریه» نامید؛ زیرا در مقایسه با دیگر نظریات اخلاق هنجاری، هیچ انسانی مطابق این نظریه سرگردان نمی ماند و بی اخلاق قلمداد نمی شود و انسان ها در هر مرتبه از این مراتب سه گانه که باشند، اعمال و رفتارهای اخلاقی ایشان قابل احترام و تحسین است. به عبارت دیگر، با توجه به تنوع سلاقی و حالات درونی افراد، گویی علامه مجلسی دریافته است که صرفاً پذیرش یکی از نظریات اخلاقی و رد نظریه های

دیگر، یعنی نادیده گرفتن طیف وسیعی از انسان‌ها که بدون هرگونه نسخه اخلاقی رها شده و اغلب از سوی هریک از طرفداران یکی از نظریات، متهم به نداشتن ملاکی صحیح در ارزش گذاری اخلاقی می‌شوند.

از این مهم‌تر آنکه پذیرش هریک از نظریات بدون توجه به نقاط ضعفی که هریک از این نظریات دارند، ناخواسته نظریات اخلاقی پیروان هر نظریه را نیز گرفتار همان اشکالات می‌کند. برای مثال، هرچند نقطه قوت وظیفه‌گرایی سنتی توجه به ذات عمل است، ولی نقطه ضعف آن بی‌توجهی به نتیجه عمل است. در مقابل، نقطه قوت غایت‌گرایی توجه به نتیجه و نقطه ضعف آن بی‌توجهی به ذات عمل است.

همچنین اگرچه می‌توان به صورت کلی ملاک و معیار ارزش اخلاقی را غایت افعال اخلاقی دانست، ولی زمانی که به تک‌تک مصادیق و افعال اخلاقی نظر کنیم، نمی‌توانیم به قاطعیت این مطلب را بپذیریم که ملاک ارزش‌های اخلاقی نتایج و هدف حاصل از آنهاست. برای مثال، درباره خوبی یا بدی راستگویی باید ابتدا پیامدهای راستگویی سنجیده شود و بعد از آن حکم به خوبی یا بدی راستگویی کنیم. همچنین است در وظیفه‌گرایی که از ذات فعل و نتایج آن غافل است، هرچند به ذات و منش فاعل و به عبارت دیگر حسن فاعلی توجه دارد.

همچنین ویژگی مهم دیگر «کلان‌نظریه» علامه مجلسی تعیین اولویت بین اصل «وظیفه» و اصل «نتیجه» و اصل «فضیلت‌مندی» و نظام‌مند ساختن رابطه آنهاست، تا فاعل اخلاقی را در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری هدایت کند و او را متخیر نسازد. در حقیقت نظریه‌ای که علامه مجلسی ارائه می‌دهد یک نظریه مطابق تعاریف پیشینی برگرفته از آیات و روایات است، نه ارائه‌ای پسینی مبتنی بر رفتار مردمان؛ یعنی مطابق واقعیت عالم هستی و حقیقت وجودی انسان، اخلاق در واقع و نفس‌الامر این‌گونه است. حال عملکرد هر انسانی چگونه است و اینکه هر گروهی بر مبنای هستی‌شناسی خاص خود، چه نظریه‌ای ارائه می‌دهد و اینکه عده‌ای سودگرا، عده‌ای وظیفه‌گرا و عده‌ای فضیلت‌مند هستند، نباید موجب شود که معنای اصلی اخلاق و نظریه اخلاق اسلامی که بر هر سه محور وظیفه‌گرایی نظر دارد، از مسیر درست خویش منحرف شود.

۳. کاربردهای عملی مترتب بر نظریه اخلاقی علامه مجلسی

همان‌گونه که گفته شد، نظریه اخلاقی علامه مجلسی یک «کلان‌نظریه» است که هر سه نظریه مطرح در اخلاق هنجاری را تحت پوشش قرار می‌دهد، اما در اینجا در پی پاسخ به قسمت دوم سؤال، سخن بر سر این مطلب است که نظریه علامه چه کاربردهای عملی در پی دارد؟ آیا نظریه ایشان بخش خاصی از رفتارهای انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد و می‌تواند تنها برای بخش اندکی راهنمای عملی برای فاعل‌های اخلاقی ارائه دهد و یا اینکه نظریه او تمام روابط فردی و اجتماعی در حیطه فیزیک و متافیزیک را دربر می‌گیرد؟

اخلاق کاربردی عرصه گسترده‌ای دارد و در موضوعات متنوعی بحث می‌کند که از جمله آنها می‌توان به اخلاق خانواده، اخلاق محیط زیست، اخلاق شهروندی، اخلاق جنسی و غیر آن اشاره کرد. با دقت در تألیفات علامه مجلسی،

به‌ویژه کتاب‌هایی مانند *بحار الانوار*، *عین الحیة و حلیة المتقین* پی می‌بریم که تمام موضوعات مطرح‌شده در اخلاق کاربردی را می‌توان تحت پوشش دو نوع رابطه اخلاقی اصلی قرار داد که عبارت‌اند از:

۳-۱. رابطه انسان با خود

منظور از «رابطه انسان با خود» در بُعد اخلاقی، اخلاق فردی است. منظور از «اخلاق فردی» اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد و کوشش در راه خدا را برای انسان، دارای ارزش می‌داند (عنکبوت: ۶۹). در این نوع رابطه، به رفتارهایی توجه می‌شود که به خود انسان مربوط می‌گردد. در این نوع رابطه، اصالتاً رابطه انسان با خودش لحاظ می‌شود، هرچند ثانیاً و بالعرض ممکن است با خدا و احیاناً با مردم نیز ارتباط پیدا کند.

ردایی همچون شکم‌بارگی، شهوترانی، و یا فضایی مثل صبر و حکمت، در این نوع رابطه می‌گنجد. اگر انسان پرخور باشد، یا کم غذا و دنبال شهوت برود یا نرود، به خودش مربوط است، گرچه به این لحاظ که ممکن است در یک صورت اطاعت خدا و در صورت دیگر مخالفت خدا را بکند، با خدا هم ارتباط دارد، ولی اصل در اینجا خود شخص است. علامه مجلسی با اشاره به حدیثی از امام علی علیه السلام درباره ترک ردایل و کسب فضایل در حیطه اخلاق فردی می‌نویسد: «هیچ خلقی همچون ترک دنیا و زهد در آن یاور دین نیست» (مجلسی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۵).

حال این سؤال مطرح می‌شود که منظور از رابطه فرد با خود چیست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان سخن از دو نوع رابطه اخلاقی در ارتباط بین انسان و خودش به میان آورد که عبارت‌اند از:

۳-۱-۱. رابطه اخلاقی انسان با جسم خویش

انسان وظیفه دارد ضمن مصروف ساختن اعضا و جوارح خود در بندگی خدا، به سلامت بدن و تندرستی خود نیز اهمیت دهد. در حقیقت برای بهره‌مندی از زندگی مطلوب، باید به نیازهای بدن نیز توجه کرد. بنابراین بهداشت تن و حفظ آن از آلودگی‌ها و مضرات از وظایف انسان در ارتباط با خود است؛ زیرا عملکرد صحیح اجزای بدن موجب عملکرد مطلوب انسان در همه ابعاد زندگی است.

از سوی دیگر انسان برای توفیق در طاعت و رشد روحی خود نیز به تنی سالم نیاز دارد که همراهی‌اش کند؛ زیرا تندرستی زمینه‌ساز کمال انسانیت است. از این‌رو علامه مجلسی در تألیفات خویش در ضمن احادیث واردشده بسیار، به مباحث مربوط به آداب غذا خوردن، مسواک زدن، جامه پوشیدن و مانند آن اشاره کرده است، به‌گونه‌ای که باب سوم از کتاب *شریف حلیة المتقین* را در دوازده فصل به این موضوع اختصاص داده است.

۳-۱-۲. رابطه اخلاقی انسان با نفس خویش

منظور از این نوع رابطه، رابطه شئون و ابعاد نفس با یکدیگر است. روح انسان گرچه موجودی واحد و بسیط است، ولی همین موجود واحد از شئون متفاوتی برخوردار است و ابعاد گوناگونی دارد که این ابعاد با هم مرتبط‌اند. ارتباط ابعاد و شئون گوناگون نفس منشأ انتزاع یک سلسله مسائل در اخلاق می‌شود که از آن به «رابطه انسان با خودش» تعبیر

می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۳). از این رو در این مبحث علامه مجلسی اولین گام را تبعیت نکردن از هوای نفس می‌داند. ایشان بر این باور است که خوشبخت‌ترین مردم کسی است که از آنچه می‌داند برایش زیان‌آور است دوری کند و بدبخت‌ترین آنان کسی است که از هوای نفس خود پیروی نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۵۵).

۳-۲. رابطه انسان با غیر خود

اما درخصوص ارتباط اخلاقی انسان با غیر خود، از سه نوع رابطه می‌توان نام برد که عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. رابطه انسان با طبیعت

از این نوع رابطه در اخلاق با عنوان «اخلاق محیط زیست» یاد می‌شود. اخلاق محیط زیست می‌کوشد برخلاف گرایش غالب در نظام‌های سنتی اخلاقی که در آنها انسان پروای طبیعت، موجودات طبیعی و جانوران غیر از انسان را ندارد، طبیعت و موجودات آن را نیز در تعلق خاطر اخلاقی جای دهد و برای آنها حقوقی اخلاقی و ارزش مستقل قائل شود (علیا، ۱۳۹۱، ص ۲۸). به عبارت دیگر، اخلاق زیست‌محیطی تعیین‌کننده اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم باشد؛ یعنی تعیین مسئولیت‌های انسان برای ممانعت از آسیب، حفاظت در مقابل آسیب و پیشبرد فعالانه خیر و مصلحت برای طبیعت (بنسون، ۱۳۸۲، ص ۲۲).

در این نوع رابطه، تعاملات انسان با محیط غیر انسانی یا همان محیط زیست، از نظر اخلاق بررسی می‌شود. مهم‌ترین پرسش در این خصوص آن است که هر انسانی از حیث اخلاقی، چگونه باید با طبیعت و محیط زیست برخورد کند؟ در حقیقت «اخلاق محیط زیست» در پاسخ به این پرسش، راه استفاده صحیح از محیط زیست و چگونگی حفظ آن را به ما نشان می‌دهد و به ما می‌فهماند که با مهربانی به آن چگونه می‌توانیم از طبیعت، به‌مثابه آفریده خداوند در حد نیاز و معقول بهره‌مند شویم.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹). بنابراین هر چیزی محدودیتی دارد و باید به اندازه و صحیح از آن استفاده کرد تا نابود نشود.

در جایی دیگر به آباد کردن زمین اشاره کرده، می‌فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱). از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که فرمودند: «تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۹۷)؛ از زمین محافظت کنید که به درستی آن مادر شماست.

علامه مجلسی در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ به آبادی زمین و حفظ محیط زیست و زراعت اشاره می‌کند که فرمودند: «زارعان گنج‌های مردم‌اند؛ می‌کارند و خدا روزی نیکوی پاکیزه کرامت می‌فرماید و ایشان در قیامت جایگاهشان از سایر مردم نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیک‌تر است و ایشان را در آن روز "مبارک" می‌نامند» (مجلسی، بی‌تا، ص ۲۳۱).

۳-۲-۲. رابطه انسان با انسان‌های دیگر

علامه مجلسی به بحث رابطه اخلاقی انسان‌ها با انسان‌های دیگر بسیار اهتمام ورزیده است، تا جایی که بخش‌هایی از تألیفات خود را به این موضوع اختصاص داده است. برای نمونه وی در باب دهم کتاب حلیه المتقین در دوازده فصل به این امر پرداخته است.

اما مراد از «رابطه اخلاقی انسان با انسان‌های دیگر» که در آن فرد با افراد مختلف ارتباط پیدا می‌کند، همان اخلاق اجتماعی است. محور اصلی اخلاق اجتماعی رابطه انسان با دیگران است که از معاشرت با دیگران و زندگی اجتماعی پدید می‌آید و به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد. انسان در برابر دیگر افراد جامعه مسئولیت دارد و باید به گونه‌ای رفتار کند که حقوق دیگران را حفظ کند. در دین اسلام به عدل، احسان انصاف و مواردی از این قبیل توجه ویژه‌ای شده است که همه این موارد در مقوله اخلاق اجتماعی می‌گنجد. اخلاق اجتماعی وزنه سنگین‌تری در اخلاق دارد و شخصیت انسان بیشتر بر محور آن دور می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

مهم‌ترین مؤلفه و اولین گام در اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه مجلسی این است که روابط اجتماعی و اخلاق اجتماعی هم باید برای رضای خدا انجام پذیرد و مهم‌ترین ثمره این کار آن است که شخص مخلص بی‌منت به مردم خدمت می‌کند و مردم پاکی و صفا را در وجودش می‌بینند از این‌رو رفتارشان موجب محبوب شدن او نزد دیگران می‌شود. پیامبر بزرگوار ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُجِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱ ص ۳۰۴)؛ هیچ بنده‌ای به حقیقت اخلاص نمی‌رسد، مگر آنکه دوست نداشته باشد که مردم او را بر کارهایی که برای خدا انجام داده است، بستانند.

اما گام بعدی جهت زیست اخلاقی در بُعد اجتماعی از دیدگاه علامه مجلسی مدارا کردن با مردم است. رسول گرامی ﷺ درباره اهمیت مدارا می‌فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۹)؛ خداوند همان گونه که مرا به انجام واجبات امر کرده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.

علامه مجلسی همچنین در این بحث به اموری مانند اهمیت خدمت‌رسانی به دیگران و وفای به عهد اشاره دارد. در اهمیت خدمت‌رسانی به دیگران در اسلام همین بس که پیامبر گرامی ﷺ آن را ملاک ارزشمندی انسان می‌دانند و می‌فرمایند: «خَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنْ الْبِرِّ شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۳۹)؛ دو خصلت نیکوست که بالاتر از آن چیزی نیست: اول ایمان به خدا و دیگری نفع رساندن به بندگان خدا.

همچنین رسول اکرم ﷺ وفای به عهد را از ویژگی‌های مؤمنان می‌دانند و می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَيْفَ إِذَا وَعَدَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۱)؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید به وعده خود وفا کند. در بحث رابطه اخلاقی انسان با انسان‌های دیگر علامه مجلسی به نمونه‌های فراوانی (از جمله رابطه با خانواده، همسایگان، خویشاوندان، زیردستان، نیازمندان و دیگر افراد جامعه) اشاره کرده است. در اینجا برای نمونه تنها به بحث «اخلاق خانواده» اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۳. اخلاق خانواده

«اخلاق خانواده» به روابط اخلاقی میان زن و شوهر و وظایفی می‌پردازد که والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر دارند. اخلاق خانواده به روابط اخلاقی در درون خانواده می‌پردازد؛ مسائلی از قبیل روابط میان زن و شوهر در خانواده،

وظایف فرزندان و والدین در قبال یکدیگر، روابط میان فرزندان، خواهران و برادران، نوع برخورد با فامیل درجه اول، پذیرش فرزند و مانند آن. اخلاق خانواده به اعضای خانواده، مهارت‌هایی برای شناخت توانمندی‌ها، تفاوت‌ها و حساسیت‌های یکدیگر از نظر جسمی، عاطفی، روانی و جنسی می‌دهد تا مرد و زن هر دو در زندگی احساس رضایت خاطر و آرامش نسبی نمایند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۳۳۹).

علامه مجلسی در کتاب *حلیقه المتقین* در باب چهارم، دوازده فصل را به اخلاق خانواده اختصاص داده و به موضوعاتی مانند حق زن و شوهر بر یکدیگر، آداب شیر دادن و تربیت فرزندان، حق پدر و مادر بر فرزندان و وجوب رعایت حرمت ایشان اشاره کرده است (مجلسی، بی‌تا، ص ۵۰-۷۶).

۳-۲-۳. رابطه انسان با خداوند

این نوع رابطه عبارت است از: مجموعه رفتارهای انسان با خداوند، اعم از رفتارهای اعتقادی و عبادتی. در این نوع رابطه به رفتارها و افعالی توجه می‌شود که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد که به آن «اخلاق بندگی» می‌گویند. مراد از «اخلاق بندگی» فضایل و ردایلی مانند ایمان، تعبد، خوف و توکل است که مربوط به رابطه انسان با خداست (احمدپور و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۳). در این نوع اخلاق، انسان باید با رفتار و کردار صحیح، رابطه خود با خداوند را متناسب و هم‌شأن او انجام دهد.

به تعبیر دیگر، می‌توان مجموعه رفتارهای توحیدی انسان را که با نگرش توحید و یگانگی صورت می‌پذیرد، تشکیل‌دهنده اخلاق بندگی نامید. می‌توان گفت: یکی از عوامل جدایی اخلاق اسلامی از سایر مکاتب اخلاقی دیگر وجود همین اخلاق بندگی است؛ زیرا در سایر مکاتب به جنبه‌های دیگر اخلاق (فردی و اجتماعی) توجه شده و با این دو جنبه سعی در بهبود روابط انسان‌ها با یکدیگر دارند، اما به بُعد دیگر که همان اخلاق بندگی باشد، توجه خاصی نشده است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۲، ص ۶۰-۶۱).

با توجه به آنچه تا اینجا گفته شد، به نظر می‌رسد تمام مباحث علامه مجلسی، چه در حوزه اخلاق هنجاری و چه در حوزه اخلاق کاربردی، رساندن انسان به این مرحله و سروسامان دادن رابطه انسان با خداست. در مقام اخلاق نظری ایشان دو بُعد از نظریه خود، یعنی وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی را به کمک می‌گیرد تا بتواند به غایت‌القضوی انسان که همان مرحله غایت‌گرایی یا قرب الهی است، برسد و در اخلاق کاربردی و عملی آنچه به‌مثابه مصادیق فضایل و ردایلی برمی‌شمارد و انسان‌ها را به انجام یا ترک آنها می‌خواند در حقیقت برای اصلاح رابطه انسان با خداست؛ زیرا انسانی که در بُعد اخلاق فردی و رابطه با خویش، هوای نفس را منکوب عقل سلیم و مطیع الی الله گرداند و در اخلاق اجتماعی به خاطر رعایت حال بندگان خدا، خالصانه در جهت کسب رضای او در بهبود روابط اجتماعی اهتمام ورزد، در مسیری قدم نهاده که چیزی جز رابطه عبد مطیع با خدای بلندمرتبه نیست.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس از شما می‌خواهد بداند مقام و منزلت او نزد خدا چگونه است، باید بنگرد که خدا را چگونه اطاعت کرده، و از معصیت خودداری کرده است یا نه» (عطاردی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۵۹).

در پس اطاعت از خداوند متعال، بنده به سبب کسب فضایل و یافتن باطنی ملکوتی، چنان غرق در صفات جمال و جلال الهی می‌شود که مانند عاشقی شیدا لحظه‌ای از درگه معشوق روی برنمی‌تابد و همواره نیل به محبت او را در ظاهر و باطن جست‌وجو می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم خداوند را سه‌گونه عبادت می‌کنند: گروهی او را برای رسیدن به پاداش می‌پرستند، این را "عبادت طمع" می‌گویند؛ دسته‌ای خداوند را از ترس عبادت می‌کنند و این "عبادت بردگان" است؛ اما من او را برای محبت عبادت می‌کنم و این عبادت بزرگان است که آن را «عبادت امن» می‌گویند. خداوند در قرآن مجید فرموده است: "آنها از ترس و وحشت روز قیامت در امان هستند". و در جای دیگری فرموده است: "بگو اگر خداوند را دوست دارید از من اطاعت کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببامزد." هرکس خداوند را دوست بدارد خداوند هم او را دوست می‌دارد و در آسایش است» (همان).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نظریه اخلاقی علامه مجلسی در اخلاق نظری و هنجاری را می‌توان «کلان‌نظریه‌ای» معرفی کرد که از مرتبه طولی و تشکیکی تشکیل شده است.
۲. اولین مرتبه از نظریه اخلاقی علامه مجلسی مرتبه «وظیفه‌گرایی» است که انسان با انجام وظایف اخلاقی و تکرار و تمرین آنها می‌تواند فضایل اخلاقی را به صورت ملکه نفسانی در وجود خویش به ثبات و پایداری برساند و پس از آنکه به انسان فضیلت‌مندی تبدیل شد، با انگیزه و نیت الهی که برخاسته از عقل، فطرت و اراده و اختیار است، برای رسیدن به مرتبه سوم که «قرب‌گرایی» است، قدم بردارد.
۳. نظریه اخلاقی علامه مجلسی اساس و بنیاد اخلاق کاربردی و عملی ایشان است. وی همسو با هریک از مراتب اخلاق نظری، اخلاق کاربردی خویش را بنیان نهاده است.
۴. نظریه اخلاقی علامه مجلسی در مباحث کاربردی و عملی در چند حوزه ارتباط با خویش (اخلاق فردی)، ارتباط با انسان‌های دیگر (اخلاق اجتماعی)، ارتباط با طبیعت (اخلاق محیط زیست) و ارتباط با خدا (اخلاق خدایی) اثرگذار است.

منابع

- اسلامی، محمدتقی و همکاران (۱۳۸۶). *اخلاق کاربردی چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمدپور، مهدی و همکاران (۱۳۸۹). *کتاب شناخت اخلاق اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ابراهیم‌پور، مهدی (۱۳۹۲). *نقش بندگی در اخلاق اجتماعی*. قم: بی‌نا.
- بخشی، مرتضی و نمازی اصفهانی، محمود (۱۴۰۲). بررسی جایگاه اخلاق فضیلت در اخلاق هنجاری و اخلاق وحیانی. *اخلاق وحیانی*، ۱۳(۱)، ۱۱۹-۹۱.
- بنسون، جان (۱۳۸۲). *اخلاق محیط زیست*. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). *اخلاق همسراری*. قم: دانشگاه قم.
- حسینی، سیدمازیار و خوش‌منش، ابوالفضل (۱۴۰۱). تبیین نسبت نظریات اخلاق هنجاری با طرح اخلاقی قرآن کریم. *علوم قرآن حدیث*، ۳، ۲۹-۵۰.
- سربخشی، محمد (۱۴۰۱). نقد و بررسی نظریه اخلاقی قرب‌گرایی. *معرفت فلسفی*، ۱۹(۱)، ۱۰۹-۱۲۷.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). *آیین زندگی*. قم: دفتر نشر معارف.
- عطاردی، عزیزالله (بی‌تا). *ایمان و کفر*. بی‌جا: عطارد.
- علیا، مسعود (۱۳۹۱). *فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق انگلیسی به فارسی*. تهران: هرمس.
- فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳). *فلسفه اخلاق*. ترجمه هادی صادقی. قم: طه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۹ق). *حق الیقین*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). *عین الحیات*. تهران: قدیانی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *حل‌حیه المتقین*. بی‌جا: بی‌نا.
- مهدی‌پور، حسن (۱۳۹۴). *مبانی و نظام‌مندی اخلاق عرفانی امام خمینی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *زندگی در پرتو قرآن*. قم: سرو.